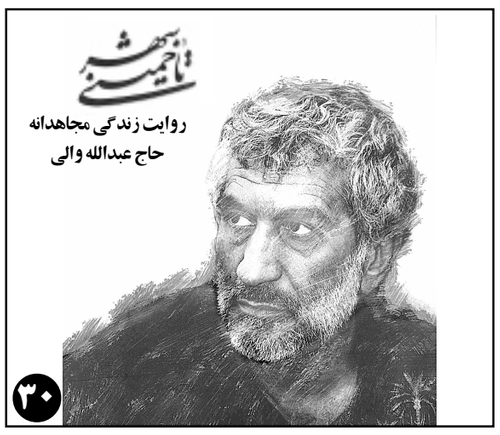

جبهه ای غریب به نام بشاگرد

حاج محمود والی: من که اصلا به دکتر آصفی عادت کرده بودم، اگه تهران بودم الکی دوست داشتم برم مطبش بشینم، صحبت‌هاش رو گوش کنم. خیلی قشنگ صحبت می‌کرد و از خاطراتش می‌گفت. من واقعا دکتر رو دوستش داشتم. به زور دعوتش می‌کردیم، می‌آوردیمش خونه‌مون. اون هم مثل ما میونه خوبی با خواب نداشت و شب‌ها تا صبح می‌نشستیم با هم صحبت می‌کردیم! با این که خودش دکتر بود، اما تنها چیزی که نداشت رژیم بود. فقط نوشابه رو می‌گفت: سمه! سرطان مثانه می‌آره. اصلا نخورید..

آقای سلیمان سلامی‌زاده: در اون ابتدای کار تو بشاگرد، خیلی به جذام پرداخته نمی‌شد. چون اطلاع زیادی هم از این بیماری نداشتیم. خب جذام دو نوع داره، تر و خشک. کسانی که جذام‌تر داشتند، خیلی ظاهر ترسناک و مخوفی پیدا می‌کردند. میکروب عامل این بیماری روی پوست اثر می‌گذاره و سلول‌های بدن رو می‌کشه و سبب خوردگی و از بین رفتن پوست می‌شه. کسی که بیماریش حاد می‌شد، قسمت‌هایی از صورت و دست و پاهاش خورده می‌شد و عفونت می‌کرد و این باعث می‌شد که از همه جا طرد بشه و کسی حتی جرأت پیدا نکنه بهش نزدیک بشه.

اون‌هایی هم که بیماریشون خشک بود، چون علامت زیادی نداشت، اغلب اصلا تشخیص داده نمی‌شد که بیمارند[1]

جذام از همان بدو ورود یکی از مشخصه‌های ترسناکی است که کسانی که به بشاگرد می‌آیند با آن مواجه می‌شوند و جا می‌خورند. گرچه جذام در بشاگرد شیوع آن چنانی پیدا نکرده است، اما معمولا هر کس به بشاگرد بیاید، با مورد یا مواردی از آن روبه‌رو می‌شود، از جمله سال پنجاه و نه که آقای مقدم و دوستانشان برای اولین بار به قسمت‌هایی از بشاگرد آمدند.

آقای مقدم: ما چند مورد جذامی اون‌جا دیدیم که چند تاشون واقعا ترسناک شده بودن، خب ما یه چنین چیزی ندیده بودیم تا اون موقع. یک بار با رفقا نزدیک یکی از روستاها نشسته بودیم که یه دفعه یه زن جذامی اومد طرفمون. خیلی وحشتناک شده بود، جذام تمام صورتش رو هم خورده بود. یه چادر انداخته بود سرش، مثل یه اسکلتی که تو یه پوشش بیاد طرف آدم! من آن قدر ترسیدم و حالم بد شد که تا چند روز نمی‌توانستم غذا بخورم. جداً جذام تر، ترسناک بود![2]

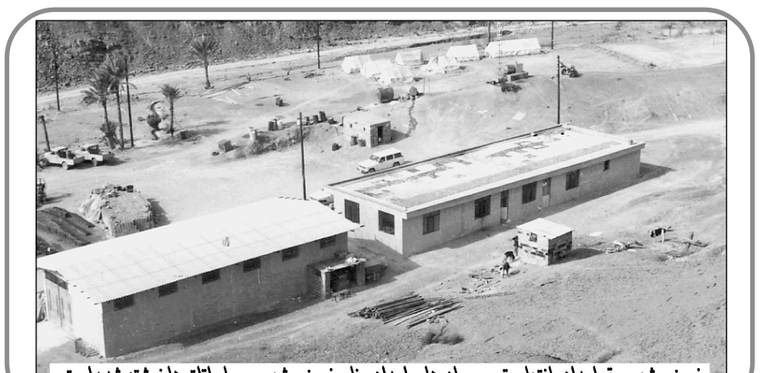
خمینی شهر ، مقر امداد، انتهای تصویر چادرهای امداد ، نام خمینی شهر روی بام اتاق ها نوشته شده است .

به علت محدود بودن این بیماری در بعضی مناطق خاص کشور، حتی پزشکان عادی هم که سفری به بشاگرد می‌کنند یا چیزی درباره آن می‌شنوند نمی‌توانند چاره‌ای برایش پیدا کنند. حاج عبدالله توجه زیادی به جذامی‌ها دارد و سعی می‌کند تا حد ممکن به آن‌ها رسیدگی کند. برایشان غذا می‌برد، درد دلشان را گوش می‌کند و دنبال راه‌حلی است که آن‌ها را از این وضع نجات دهد و از آن مهم‌تر جلوی شیوع آن را بگیرد.

حاج محمود والی: آقای موسوی اردبیلی تو سفری که به بندرعباس اومده بود با هلی کوپتر یه قسمت‌هایی از بشاگرد رو هم دید و با حاجی هم‌صحبت کرد. وقتی فهمید که تو بشاگرد جذام هست، به حاجی می‌گه یه آقایی هست تو تهران به نام دکتر والی‌الله آصفی. برید پیش ایشون مسئله جذام منطقه رو بگید. دکتر آصفی همشهری آقای موسوی اردبیلی بود و آشنایی دوری با هم داشتند.

حاجی وقتی رفت تهران، رفت پیش دکتر آصفی و باهاش صحبت کرد. وقتی برگشت بشاگرد، دکتر رو با خودش آورد. دکتر وقتی اومده بود بشاگرد، می‌گفت: من به آقای موسوی اردبیلی کاری ندارم. من فقط به خاطر این مرد اومدم، نخست‌وزیر هم می‌اومد می‌گفت بیا، من نمی‌اومدم، ولی از این حاجی خوشم اومده دیگه آقا! خوشم اومده.[3]

دکتر ولی‌الله آصفی از اساتید متخصص بیماری‌های عفونی است که در انستیتو پاستور فعالیت می‌کند. با این وجود مرد متواضعی است و دل به دنیا نداده است، همین خصوصیت‌ها باعث می‌شود که در ملاقات با حاج عبدالله علاقه عمیقی بینشان برقرار شود و بعد از آن به راحتی بپذیرد که به بشاگرد برود تا وضعیت جذام را در آن جا بررسی کند، آمدنی که واقعا مؤثر است.

آقای سلیمان سلامی‌زاده: بعد از این که رفتیم خمینی‌شهر و وضع راه هم بهتر شد، بعضی گروه‌های پزشکی می‌اومدن بشاگرد و چند روزی می‌موندن و برمی‌گشتن. یکی از آقایونی که اومدن، پروفسور ولی‌الله آصفی بود که عمرش رو، روی بیماری‌های عفونی گذاشته بود و بهش می‌گفتن پدر جذام ایران. ایشون با حاج عبدالله اومدن بشاگرد و شروع کردن به گشت‌زنی در منطقه و معاینه مریض‌ها و شناسایی جذامی‌ها. با یه سری تست‌هایی که انجام دادن متوجه شدن که جذام تو بشاگرد اپیدمی[4] نداره و فقط در شرایط ارتباط مستقیم منتقل می‌شه. تو روستاها بعضی‌ها می‌اومدن می‌گفتن یکی تو کپر ماست که این مشخصات رو داره، ما می‌ترسیم بهش نزدیک بشیم، دکتر آصفی تذکر می‌داد که اگر تماس مستقیم نداشته باشید، مشکلی پیش نمی‌آد، نباید این‌ها رو منزوی کنید.

قبل از اومدن دکتر آصفی، مردم شناخت درستی از بیماری نداشتن و خیلی می‌ترسیدن و هیچ کمکی هم به جذامی‌ها نمی‌کردن. وقتی خدا رو شکر با اومدن ایشون و فعالیت زیادی که کردن، مردم‌رو آشنا کردیم و مردم هم بعد از اون با جذامی‌ها بهتر رفتار می‌کردن. فقط یه عده‌ای بودن که بیماریشون حاد شده بود و صورتشون از بین رفته بود که باید یه جا قرنطینه می‌شدن و دارو مصرف می‌کردن، اگر هم خوب نمی‌شدن باید تا آخر عمرشون همون جا می‌موندن.[5]

دکتر آصفی دو هفته‌ای در بشاگرد می‌ماند و در این مدت آموزش‌های لازم را به آقای سلامی‌زاده می‌دهد تا بتواند در خمینی شهر تست جذام بگیرد و به بیماران دارو بدهد. حاج محمود که علاقه زیادی به مسائل پزشکی دارد، در طول این روزها همراه دکتر می‌شود و برخی نکات مربوط به جذام و بیماری‌های عفونی را از او یاد می‌گیرد.

حاج محمود والی: دکتر آصفی که اومده بود بشاگرد، من حسابی باهاش رفیق شده بودم و اکثرا باهاش بودم. با حاجی می‌چرخیدیم تو روستاها و دکتر جذامی‌ها رو با چشم تشخیص می‌داد، حاجی هم اسم هاشون رو می‌نوشت که برای درمانشون اقدام کنیم. اون‌هایی که بیماریشون پیشرفته نشده بود، با دارو خوب می‌شدن.

مثلا رفتیم تو روستای گشیراز، می‌گفتیم دکتر این جا جذام نداره، اما دکتر هشت تا جذامی پیدا کرد! از همه ماها هم تست جذام گرفت.

دکتر دفعه اول که اومد، دو هفته موند، بعد از چند وقت دوباره اومد و این بار یک ماه تو بشاگرد طبابت کرد. مطبش رو هم تو تهران می‌بست بنده خدا، البته مطب رو قبول نداشت، می‌گفت: مطب عین بقا لیه! دکتر باید تو بیمارستان کار کنه، مردم بیان بیمارستان و پول هم ندن، اما می‌گفت شرایط طوری شده که مجبور شدم مطب بزنم، وگرنه من مطب رو دوست ندارم.

مطبش هم خیلی کم مریض داشت، فقط یه سری مریض‌های خاص عفونی می‌اومدن پیشش، خیلی‌ها رو مفتی ویزیت می‌کرد، می‌گفت: مریض‌هام خاص خودمن و حتی می‌رم خونه‌هاشون معاینشون می‌کنم! صبح‌ها هم می‌رفت انستیتو پاستور کار می‌کرد. هرچی درآمد داشت یا خرج جذام خونه می‌کرد یا می‌گذاشت برای تحقیقاتش، از خودش ماشین نداشت. اصلا دل به دنیا نبسته بود.

خلقیات دکتر آصفی طوری است که رابطه‌اش با حاج عبدالله و برادرانش، از حد کاری می‌گذرد و تبدیل به رفاقتی صمیمی می‌گردد و با هم رابطه خانوادگی پیدا می‌کنند. هر کدام از برادران والی که به تهران می‌آیند، حتما سری به مطب دکتر آصفی می‌زنند و او را می‌بینند، به خصوص حاج محمود که به پزشکی علاقه‌مند است!

حاج محمود والی: من که اصلا به دکتر آصفی عادت کرده بودم، اگه تهران بودم الکی دوست داشتم برم مطبش بشینم، صحبت‌هاش رو گوش کنم. خیلی قشنگ صحبت می‌کرد و از خاطراتش می‌گفت. من واقعا دکتر رو دوستش داشتم. به زور دعوتش می‌کردیم، می‌آوردیمش خونه‌مون. اون هم مثل ما میونه خوبی با خواب نداشت و شب‌ها تا صبح می‌نشستیم با هم صحبت می‌کردیم! با این که خودش دکتر بود، اما تنها چیزی که نداشت رژیم بود. فقط نوشابه رو می‌گفت: سمه! سرطان مثانه می‌آره. اصلا نخورید.

یه بار که اومده بود بشاگرد، حاج عبدالله دید سفره انداختیم، یه نوشابه هم جلوی دکتره! حاجی گفت: ا... دکتر چطور شد؟

سیرک ، از سمت راست ایستاده دکتر ولی الله آصفی .

دکتر گفت: نه حاج آقا! محمود آقا راست می‌گه اون نوشابه‌های تهرانه که سمه، این‌ها خیلی خوبه!

حاجی گفت: دکتر شما دیگه چرا! محمود شما رو هم از راه به در کرد!

یه بار یکی از عمه‌های ما مریض شده بود و سردردهای عجیبی داشت، دکترها گفته بودن باید کاسه سرش رو باز کنیم. بهشون گفتم بذارید من برم دکتر آصفی رو بیارم، اون هم یه نظر بده. دیگه انقدر رفیق شده بودیم که با دکتر تعارف نداشتیم. شب بود با امیر رفتم دم در خونه‌شون. گفتیم: دکتر جون! این جوری شده باید بیای. می‌دونم شبه، اما چاره‌ای نیست.

گفت: باشه. رفت لباسش رو شیک پوشید و اومد، دکتر خیلی شیک بود.

داشتیم می‌رفتیم به امیر گفتم: این جوری که بده، دکتر شام نخوردن.

خلاصه دکتر هم گفت: بله اول بریم شام بخوریم.

یه دفعه امیر دید چون با عجله اومده، یادش رفته کفش بپوشه و با دمپاییه، اون هم لنگه‌به لنگه! گفت: این جوری زشته من بیام.

دکتر گفت: نخیر هیچ اشکالی هم نداره.

بالاخره شام رو خوردیم و رفتیم خونه عمه. دکتر عمه رو معاینه کرد، گفت: عمه‌تون هیچیش نیست، کاسه سرش رو هم نمی‌خواد بردارید. آدرس یه دکتر متخصص رو بهمون داد که رفتیم پیشش. اون هم گفت چیزی نیست و با یه سری حرکت حالش خوب شد. به ظاهر خب دکتر آصفی تخصصش چیز دیگه‌ای بود، اما برای هر مشکلی می‌رفتیم پیشش.[6]

دکتر آصفی هم جذب شخصیت حاج عبدالله می‌گردد و بدین ترتیب به مجموعه یاران بشاگرد اضافه می‌شود. با زحمات دکتر آصفی مبارزه با جذام آغاز می‌شود. با پیگیری‌های او و حاج عبدالله جذامی‌هایی که بیماری‌شان حاد شده است و نیاز به قرنطینه دارند به آسایشگاه «محرابیان مشهد»، که بعدها به «دهکده رضوی» تغییر نام می‌دهد، فرستاده می‌شوند تا آن جا تحت درمان قرار بگیرند و اگر بهبود یافتند به بشاگرد بازگردند. البته به علت وسعت منطقه و پراکندگی روستاها امکان جمع‌آوری همه جذامی‌ها نیست و آن‌ها به مرور شناسایی می‌شوند تا کم کم بیماری در منطقه ریشه‌کن گردد.

حاج عبدالله در برخورد با جذامی‌ها با محبت و احترام تمام عمل می‌کند. آن‌ها که باید به آسایشگاه فرستاده شوند، چون تصور درستی ندارند، معمولا مقاومت می‌کنند، از طرفی هم اطرافیانشان طردشان کرده‌اند و تحقیر شده‌اند. حاج عبدالله بدون واهمه نزد این گونه جذامی‌ها می‌رود، برای آن‌ها غذا می‌برد و درد دلشان را گوش می‌کند، برایشان صحبت می‌کند و درباره نحوه درمان و شرایط آسایشگاه توضیح می‌دهد. آن‌هایی که قبول می‌کنند بروند، خود حاج عبدالله کارهایشان را انجام می‌دهد و به اداره بهداشت تحویل می‌دهد. حاجی نسبت به این بیمارها از خانواده‌هایشان مهربان‌تر است و مانند پدر برایشان دل می‌سوزاند.[7]

۱- حکم ماموریت حاج عبدالله والی از بانک صادرات به کمیته امداد هر سال تمدید می‌شود، در پاییز سال ۶۴ بانک در حکم خود اعلام می‌کند که برای آخرین بار با تمدید مدت ماموریت موافقت می‌کند و این آخرین بار، بارها تکرار می‌شود!

در جبهه‌ها یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل پیروزی رزمندگان اسلام، تدارکات و پشتیبانی بود. از همان روزهای ابتدایی جنگ که مردم با دست خالی مقاومت در شهرها را آغاز کردند، تعدادی از فعال‌ترین و پیگیرترین افراد، مسئولیت تأمین نیازهای رزمندگان را به عهده گرفتند. در ابتدای جنگ، حتی تهیه لباس و کفش مناسب برای جنگیدن هم مشکل بود، سلاح و مهمات که جای خود را داشت. هرچه جنگ پیش رفت و وسعت عمل رزمندگان بیشتر شد، نیازها هم گسترده‌تر و متنوع‌تر گردید. دیگر در کل جبهه‌ها هیچ یگانی نبود که واحد تدارکات نداشته باشد. مسئول تدارکات یک سر داشت و هزاران سودا، باید امکانات را جذب می‌کرد و به نیروها می‌رساند. کار اول مشکل‌تر بود، ارگان‌های مسئول همیشه محدودیت داشتند و او باید به هر دری می‌زد تا از خیرین و مراکز جمع‌آوری کمک‌های مردمی نیازهای رزمندگان را تأمین کند. محدوده نیازها از خشاب و فشنگ بود تا جیره غذایی و یخ و آب آشامیدنی. پیگیری احداث خاکریز و جاده‌های دسترسی هم با واحد تدارکات بود و وقتی قرار بود نیروها جایی مستقر شوند، آن‌ها چادرها و امکانات استقرار را آماده می‌کردند. خلاصه این که بچه‌های خستگی‌ناپذیر تدارکات می‌بایست شبانه‌روز تلاش می‌کردند تا نیروهای رزمنده بتوانند بجنگند و دفاع کنند. شب عملیات حساس‌ترین زمان کار تدارکات بود، باید امکانات و مهمات به خط می‌رسید تا نیروها بتوانند مقاومت کنند. اگر ارتباط با عقبه نبود، همه نیروها به تدریج توانشان از بین می‌رفت؛ یا مجبور به عقب‌نشینی می‌شدند یا شهید و اسیر. همه فهمیده بودند، عملیاتی که پشتیبانی ضعیفی داشته باشد محکوم به شکست است.

صدها کیلومتر دورتر از جبهه‌ها، جبهه غریب و طاقت‌سوز دیگری تشکیل شده است که چند نفر از جوانان انقلابی به مبارزه فقر و محرومیت ظالمانه‌ای رفته‌اند که هفتادهزار نفر را به زانو درآورده است و خاک ناامیدی را بر تمام بشاگرد افشانده است. این عملیات فرسایشی و بلندمدت هم اگر نیروهایش به خوبی پشتیبانی نشوند و اتصال به عقبه قطع باشد، شکست می‌خورد.

در ابتدای کار امداد در بشاگرد، حاج عبدالله خودش کارهای پشتیبانی را مدیریت می‌کند، به دنبال کمک‌ها می‌رود، کارهای اداری را پیگیری می‌کند، مواد غذایی و ارزاق را برای توزیع در منطقه خریداری می‌کند و...، علت حضور کمتر حاج عبدالله در ربیدون و بعد در خمینی شهر هم همین است.

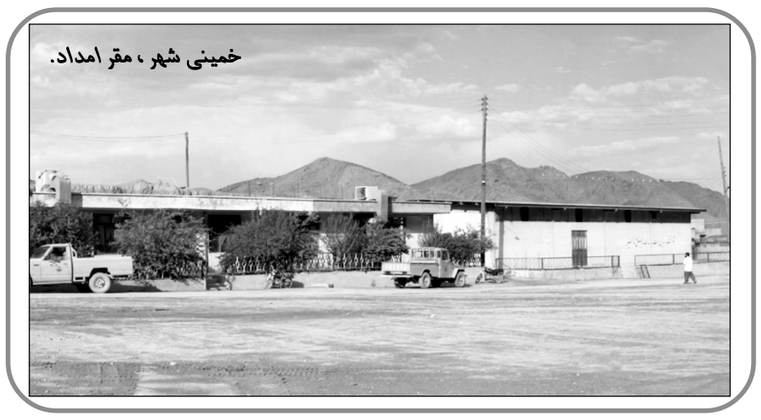
خمینی شهر ، مقر امداد.

حالا کارها وسیع شده است، خمینی‌شهر مرکز رفت‌وآمد اهالی، خیرین و مسئولین است و حاجی کمتر می‌تواند آن را ترک کند، راه تا حدودی ساخته شده است و با حضور این ماشین‌آلات، راه‌سازی نیاز به یک پشتیبانی گسترده دارد تا استمرار داشته باشد. کار توزیع کمک‌های نقدی و غیرنقدی بین اهالی بشاگرد و خانواده‌های مددجو درحال توسعه است و به پیگیری بیشتری نیاز دارد. با وصل شدن هیئت خدمتگزاران، هرچند ماه، حاج‌آقا صراف‌زاده با گروهی از خیرین به بشاگرد می‌آیند و تعهداتی می‌کنند، که باید در تهران پیگیری شود و به بشاگرد برسد. این همه، یاری قوی می‌طلبد تا کار پشتیبانی را برعهده گیرد. حاج عبدالله به نیرویی نیاز دارد که پیگیر باشد و امین. او باید مدام درحال دویدن باشد و خستگی را حس نکند. کسی که می‌خواهد پشتیبانی بشاگرد را برعهده بگیرد، باید کمتر اهل ملاحظات و تعارفات معمول بین افراد باشد و با صراحت بتواند خواسته خود را بگوید و کار را پیش ببرد.

باز هم نگاه حاج عبدالله به برادرانش است. برادرها آن‌قدر با هم صمیمی‌اند که حاجی به راحتی می‌تواند سخت‌ترین کارها را از آن‌ها بخواهد، کارهایی که از غریبه خواستنش سخت است. او حاج امیر را برای پشتیبانی از بشاگرد انتخاب کرده است و این مسئله کم‌کم به حاج امیر والی سپرده می‌شود.

در این مدت حاج امیر چندین بار به ضرورت‌هایی به بشاگرد آمده و برگشته، اما مسئولیت اصلی او در دفتر عمران حضرت امام در کردستان است و بیشتر وقت‌ها همان‌جاست. او در کردستان علاوه بر کارهای عمران و سازندگی گاهی به‌طور مستقیم در جنگ با عراق و ضدانقلاب درگیر است و در طول جنگ نقش عقبه و پشتیبانی از رزمندگان آن محور را برعهده دارد و به همین دلیل کاملاً با این کار و اهمیتش آشناست. در اوایل کار، هر وقت حاج عبدالله کاری دارد به تهران یا بشاگرد می‌آید و دوباره به کردستان برمی‌گردد. اما با وسعت کارهای بشاگرد و نیاز به پشتیبانی قوی‌تر، زمان بیشتری برای بشاگرد می‌گذارد.

۱- مصاحبه با آقای سلیمان سلامی‌زاده، تهران، ۱۳۸۸/۲/۸
۲- مصاحبه با آقای مقدم، تهران، ۱۳۸۷/۳/۲۸
۳- مصاحبه با حاج محمود والی، میناب، ۱۳۸۸/۶/۲۹
۴- واگیر
۵- مصاحبه با آقای سلیمان سلامی‌زاده، تهران، ۱۳۸۸/۲/۸
۶-مصاحبه با حاج محمود والی میناب، ۱۳۸۸/۶/۲۹
۷-مصاحبه با حاج محمود والی میناب، ۱۳۸۸/۶/۲۹

آگهی فراخوان عمومی دو مرحله‌ای به شماره ۲۵-۹۱

شرکت توزیع نیروی برق استان کردستان (سهامی خاص)

نوبت دوم

موضوع فراخوان: واگذاری برکناری ۲کیلومتر شبکه فشار ضعیف هوایی و جایگزینی آن با ۲/۴کیلومتر شبکه فشار ضعیف هوایی با کابل خود نگهدار ۳۵-۱۶+۵۰×۳ به صورت کلید دردست
تاریخ خرید اسناد فراخوان: ۹۱/۵/۲۱ لغایت ۹۱/۵/۲۶
تاریخ تحویل اسناد فراخوان: ۹۱/۶/۶
تاریخ بازگشایی پاکات الف و ب: ۹۱/۶/۷
تاریخ بازگشایی پاکات ج: ۹۱/۶/۱۴
نوع تضمین: صرفاً به صورت ضمانت‌نامه بانکی یا واریز وجه نقد به حساب شرکت.
مبلغ تضمین: ۵۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال
مبلغ خرید اسناد: ۱۰۰/۰۰۰ ریال در وجه شرکت توزیع نیروی برق استان کردستان به شماره حساب سیبا ۰۱۰۷۵۰۰۶۶۷۰۰۶ نزد بانک ملی مرکزی سنندج.
محل خرید اسناد: امور تدارکات شرکت واقع در سنندج، بلوار جانبازان، سایت اداری و یابا تلفن شماره ۳۲۸۱۷۰۶ تماس حاصل فرمائید.
محل تحویل اسناد: اداره حراست شرکت توزیع نیروی برق استان کردستان واقع در سنندج، بلوار جانبازان، سایت اداری
هزینه درج دو نوبت آگهی بعهده برنده فراخوان می‌باشد.
سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه، در اسناد مناقصه مندرج است.
برای کسب اطلاعات بیشتر از طریق سایت توانیر www.tavanir.org.ir، www.kurdelectric.com یا سایت iets.mporg.ir و یا با شماره تلفن‌های ۱۰-۳۲۸۳۶۰۱-۰۸۷۱ داخلی ۲۰۵۴ و ۲۰۵۵ تماس حاصل نمائید.

شرکت توزیع نیروی برق استان کردستان

تاریخ چاپ نوبت اول: چهارشنبه ۹۱/۵/۱۸ (سراسری)
تاریخ چاپ نوبت دوم: شنبه ۹۱/۵/۲۱ (سراسری)

آگهی مزایده

این شرکت در نظردارد نسبت به **فروش تعدادی ماشین آلات سبک و سنگین و راه‌سازی و پخش آسفالت و برخی دستگاههای موزائیک سازی و غیره** از طریق مزایده عمومی اقدام نماید.
متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر و یا دریافت فرم مربوطه می‌توانند همه روزه به غیر از ایام تعطیل حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۱/۵/۲۴ از ساعت ۸ صبح لغایت ۱۵ به آدرس اصفهان -اتوبان شاهین شهر -پل هوایی گز به طرف پالایشگاه - بلوار امام علی(ع) - مجتمع تولیدی بنیاد بتن مراجعه نمایند و یا با شماره تلفن‌های **۰۳۱۲۵۷۲۳۰۸۳** و **۰۳۱۲۵۷۲۳۰۸۴** تماس حاصل نمایند.

شرکت عمران و مسکن ایران

آگهی مناقصه عمومی شماره مناقصه: ۰۹-۹۱

شرکت ملی گاز
شرکت گاز استان لرستان (سهامی خاص)

(نوبت دوم)

موضوع: اجرای خط تغذیه و شبکه شهری مسکن مهر شهرستان خرم‌آباد
نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:

حداقل مبلغ	۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
نوع تضمین	الف- ضمانت نامه بانکی ب- واریزی وجه نقد به حساب ۰۱۰۶۳۱۹۵۸۲۰۰۷ بانک ملی شعبه بلوار کیو خرم‌آباد

محل، زمان و مهلت دریافت اسناد شرکت در مناقصه:

محل دریافت اسناد	وب سایت شرکت گاز استان لرستان به آدرس www.nigc-lorestan.ir و پایگاه ملی مناقصات به آدرس http://iets.mporg.ir	**زمان دریافت اسناد**	از تاریخ ۱۳۹۱/۵/۲۳ لغایت ۱۳۹۱/۶/۲
		تحویل پیشنهادات	حداکثر ساعت ۱۰ صبح مورخه ۱۳۹۱/۶/۱۳
محل تحویل پیشنهادات	دفتر رئیس امور قراردادها	**زمان بازگشایی پیشنهادات مالی**	ساعت ۱۰ صبح مورخه ۱۳۹۱/۶/۱۹

جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت شرکت گاز استان لرستان به آدرس www.nigc-lorestan.ir و یا به آدرس http://iets.mporg.ir پایگاه اطلاع رسانی مناقصات مراجعه فرمایید.

روابط عمومی شرکت گاز استان لرستان

مناقصه عمومی شماره ۹۱/۱۴۶

صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران

(نوبت دوم)

نام سازمان مناقصه گذار: سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران
نوع مناقصه: عمومی دومرحله ای
موضوع مناقصه: خرید ۳ دستگاه ترانسفورماتور توان 1600KVA و ۲ دستگاه ترانسفورماتور توان 1250KVA
میزان سپرده شرکت در مناقصه: ۸۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به صورت ضمانتنامه بانکی
محل دریافت اسناد: تهران- خیابان ولیعصر- خیابان جام جم- سازمان صدا و سیما- ساختمان شماره ۲ معاونت توسعه و فناوری رسانه- امور خرید کالای فنی
مهلت دریافت اسناد شرکت در مناقصه: از تاریخ درج آگهی تا ساعت ۱۵ مورخ ۹۱/۵/۲۴
مهلت تحویل پیشنهادها: ۹۱/۶/۱۱
زمان و مکان بازگشایی ارزیابی کیفی مناقصه گران: در تاریخ ۹۱/۶/۱۴ در حوزه معاونت توسعه و فناوری رسانه می‌باشد. قابل ذکر است اسناد و مدارک واصله را در چارچوب ضوابط و مقررات داخلی خود بررسی و از برنده مناقصه که می‌بایست دارای صلاحیت تخصصی در امور مربوطه باشد، دعوت به عمل خواهد آمد.
بدیهی است هزینه درج دو نوبت آگهی به عهده برنده خواهد بود.
برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن های۱۴-۲۲۱۶۶۳۱۳ تماس حاصل فرمائید و یا به آدرس اینترنتی http://monaghesat.irib.ir/monaghese **مراجعه نمایید.**

سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

مناقصه عمومی شماره ۹۱/۱۴۵

صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران

(نوبت دوم)

نام سازمان مناقصه گذار: سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران
نوع مناقصه: عمومی دومرحله ای
موضوع مناقصه: خرید ۶۴ دستگاه رادیو نوع مایکروویو
میزان سپرده شرکت در مناقصه: ۶،۹۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به صورت ضمانتنامه بانکی
محل دریافت اسناد: تهران- خیابان ولیعصر- خیابان جام جم- سازمان صدا و سیما- ساختمان شماره ۲ معاونت توسعه و فناوری رسانه- امور خرید کالای فنی
مهلت دریافت اسناد شرکت در مناقصه: از تاریخ درج آگهی تا ساعت ۱۵ مورخ ۹۱/۵/۲۴
مهلت تحویل پیشنهادها: ۹۱/۶/۱۱
زمان و مکان بازگشایی ارزیابی کیفی مناقصه گران: در تاریخ ۹۱/۶/۱۴ در حوزه معاونت توسعه و فناوری رسانه می‌باشد. قابل ذکر است اسناد و مدارک واصله را در چارچوب ضوابط و مقررات داخلی خود بررسی و از برنده مناقصه که می‌بایست دارای صلاحیت تخصصی در امور مربوطه باشد، دعوت به عمل خواهد آمد.
بدیهی است هزینه درج دو نوبت آگهی به عهده برنده خواهد بود.
برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن های۱۴-۲۲۱۶۶۳۱۳ تماس حاصل فرمائید و یا به آدرس اینترنتی http://monaghesat.irib.ir/monaghese **مراجعه نمایید.**

سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

مناقصه عمومی شماره ۹۱/۱۴۴

صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران

(نوبت دوم)

نام سازمان مناقصه گذار: سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران
نوع مناقصه: عمومی دومرحله ای
موضوع مناقصه: خرید ۶۴ مجموعه تجهیزات نوع هدند
میزان سپرده شرکت در مناقصه: ۷،۳۶۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به صورت ضمانتنامه بانکی
محل دریافت اسناد: تهران- خیابان ولیعصر- خیابان جام جم- سازمان صدا و سیما- ساختمان شماره ۲ معاونت توسعه و فناوری رسانه- امور خرید کالای فنی
مهلت دریافت اسناد شرکت در مناقصه: از تاریخ درج آگهی تا ساعت ۱۵ مورخ ۹۱/۵/۲۴
مهلت تحویل پیشنهادها: ۹۱/۶/۱۱
زمان و مکان بازگشایی ارزیابی کیفی مناقصه گران: در تاریخ ۹۱/۶/۱۴ در حوزه معاونت توسعه و فناوری رسانه می‌باشد. قابل ذکر است اسناد و مدارک واصله را در چارچوب ضوابط و مقررات داخلی خود بررسی و از برنده مناقصه که می‌بایست دارای صلاحیت تخصصی در امور مربوطه باشد، دعوت به عمل خواهد آمد.
بدیهی است هزینه درج دو نوبت آگهی به عهده برنده خواهد بود.
برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن های۱۴-۲۲۱۶۶۳۱۳ تماس حاصل فرمائید و یا به آدرس اینترنتی http://monaghesat.irib.ir/monaghese **مراجعه نمایید.**

سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

مناقصه عمومی شماره ۹۱/۱۴۹

صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران

(نوبت دوم)

نام سازمان مناقصه گذار: سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران
نوع مناقصه: عمومی دومرحله ای
موضوع مناقصه: خرید تجهیزات تصویربرداری از برنامه های خاص رادیویی
میزان سپرده شرکت در مناقصه: ۹۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به صورت ضمانتنامه بانکی
محل دریافت اسناد: تهران- خیابان ولیعصر- خیابان جام جم- سازمان صدا و سیما- ساختمان شماره ۲ معاونت توسعه و فناوری رسانه- امور خرید کالای فنی
مهلت دریافت اسناد شرکت در مناقصه: از تاریخ درج آگهی تا ساعت ۱۵ مورخ ۹۱/۵/۲۴
مهلت تحویل پیشنهادها: ۹۱/۶/۱۱
زمان و مکان بازگشایی ارزیابی کیفی مناقصه گران: در تاریخ ۹۱/۶/۱۴ در حوزه معاونت توسعه و فناوری رسانه می‌باشد. قابل ذکر است اسناد و مدارک واصله را در چارچوب ضوابط و مقررات داخلی خود بررسی و از برنده مناقصه که می‌بایست دارای صلاحیت تخصصی در امور مربوطه باشد، دعوت به عمل خواهد آمد.
بدیهی است هزینه درج دو نوبت آگهی به عهده برنده خواهد بود.
برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن های۱۴-۲۲۱۶۶۳۱۳ تماس حاصل فرمائید و یا به آدرس اینترنتی http://monaghesat.irib.ir/monaghese **مراجعه نمایید.**

سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

مناقصه عمومی شماره ۹۱/۱۴۸

صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران

(نوبت دوم)

نام سازمان مناقصه گذار: سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران
نوع مناقصه: عمومی دومرحله ای
موضوع مناقصه: خرید کابل ۷۰۰۰ متر کابل سایز ۲۴۰×۱ و ۱۰۰۰ متر کابل سایز ۳۰۰×۱ و ۴۵۰۰ متر کابل سایز ۷۰×۱
میزان سپرده شرکت در مناقصه: ۲۲۸،۰۰۰،۰۰۰ ریال به صورت ضمانتنامه بانکی
محل دریافت اسناد: تهران- خیابان ولیعصر- خیابان جام جم- سازمان صدا و سیما- ساختمان شماره ۲ معاونت توسعه و فناوری رسانه- امور خرید کالای فنی
مهلت دریافت اسناد شرکت در مناقصه: از تاریخ درج آگهی تا ساعت ۱۵ مورخ ۹۱/۵/۲۴
مهلت تحویل پیشنهادها: ۹۱/۶/۱۱
زمان و مکان بازگشایی ارزیابی کیفی مناقصه گران: در تاریخ ۹۱/۶/۱۴ در حوزه معاونت توسعه و فناوری رسانه می‌باشد. قابل ذکر است اسناد و مدارک واصله را در چارچوب ضوابط و مقررات داخلی خود بررسی و از برنده مناقصه که می‌بایست دارای صلاحیت تخصصی در امور مربوطه باشد، دعوت به عمل خواهد آمد.
بدیهی است هزینه درج دو نوبت آگهی به عهده برنده خواهد بود.
برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن های۱۴-۲۲۱۶۶۳۱۳ تماس حاصل فرمائید و یا به آدرس اینترنتی http://monaghesat.irib.ir/monaghese **مراجعه نمایید.**

سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

مناقصه عمومی شماره ۹۱/۱۴۷

صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران

(نوبت دوم)

نام سازمان مناقصه گذار: سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران
نوع مناقصه: عمومی دومرحله ای
موضوع مناقصه: خرید ۲۵ دستگاه تابلو نوع فشار قوی و ضعیف
میزان سپرده شرکت در مناقصه: ۴۲۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال به صورت ضمانتنامه بانکی
محل دریافت اسناد: تهران- خیابان ولیعصر- خیابان جام جم- سازمان صدا و سیما- ساختمان شماره ۲ معاونت توسعه و فناوری رسانه- امور خرید کالای فنی
مهلت دریافت اسناد شرکت در مناقصه: از تاریخ درج آگهی تا ساعت ۱۵ مورخ ۹۱/۵/۲۴
مهلت تحویل پیشنهادها: ۹۱/۶/۱۱
زمان و مکان بازگشایی ارزیابی کیفی مناقصه گران: در